


# مأمورهای اعدام

| مارتین مک دونا | بهرنگ رجیبی | نهایشنامه‌های بیدگل : اروپایی (۱۳) | 

| پرده‌ی اول |

## | شخصیت‌ها |

هنسی

زندانبان‌ها

فرماندار

دکتر

هری

سید

آلیس

بیل

چارلی

آرتور

کِلگ

ستوان فرای

مونی

شرلی

پی. بر پوینت

(نور، سلول زندانی در سال ۱۹۶۳ را روشن می‌کند. میزی وسط صحنه است جیمز هِنسی پشت میز نشسته و سرش را روی آن گذاشته؛ وحشت‌زده است. دو زندانبان، هر کدام یک طرفِ او نشسته‌اند و به یکدیگر نگاه می‌کنند. ساعتِ دیواری، زنگ هشت را می‌زند و هِنسی سرش را بالا می‌آورد، درست همان لحظه‌ای که در سلول، پشت سرش به یک‌ضرب باز می‌شود و هَری وید با کت و شلوار و پایپون و سید آرمفیلد، دستیار او وارد می‌شوند. ورود آن‌ها باعث می‌شود هِنسی جستی بزند و بایستد و صندلی‌اش را واژگون کند. زندانبان‌ها هم می‌ایستند. فرماندار و دکتر بیرون می‌مانند و داخل سلول را نگاه می‌کنند.)

هِنسی: (با لهجه‌ی لندن) هوه، تخم حروم‌های وقت شناس!

هَری: آگه قضیه رو قبول کنی و داد و ببیداد راه نندازی، کلاً

برا خودت هم آسون‌تر می‌شه ها پسر.